

گذار تحولی بافت کالبدی روستاهای واقع در حوزه‌های کلانشهری (مطالعه موردی: مسکن روستایی - دهستان طرقله)

دکتر ریحانه سلطانی مقدس^۱ - نویسنده مسئول

Transmission of physical texture of nearby metropolitan villages (Case Study: rural houses of Torghabeh Dehestan)

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۵

Received: 1/Oct/2012

Accepted: 4/Jan/2013

Reyhaneh Soltani¹

Abstract

Physical textures of villages are considered as the location of many various and important activities of rural life. Some other rural functions are closely related to the physical texture of villages, too. For example, any changes of socio-cultural and economic characteristics of villages are reflected in their physical textures. Such changes indicate the impact and influence of different events including urbanism on rural settlements. Because, villages have different relations with urban centers, and dimensions and extent of these relationships have many influences on rural physical textures and would cause change of structure and function of rural housing. Such changes are more visible in outskirts of cities where the extent of changes are wider. Traditional rural houses are different from urban houses because of their various and different functions and functional spaces in which rural activities can be done easier. However, new rural houses that copy their urban counterpart patterns are mono-functional and have created some challenges in new rural activities. The present study applies a descriptive-analytical method and required data are collected through documentary and field studies. Findings show that urbanism has changed the structure and functions of traditional rural houses. Modern rural housing has also affected functions of houses due to the adaptation of urban housing pattern.

Keywords: traditional house; structure; function; pattern; urbanization.

چکیده

بافت کالبدی در روستاها بستر فعالیت‌های مختلفی به شمار می‌رود که در زندگی روستایی نقش مهمی دارند و بسیاری از کارکردهای روستایی وابسته به این عناصر است. به صورتی که هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در بافت کالبدی روستاها منعکس می‌شود. این تغییرات بیانگر تأثیرپذیری سکونتگاه‌های روستایی از جریان‌های مختلف از جمله شهرگرایی است.

زیرا روستاها روابط مختلفی با شهر دارند و ابعاد و دامنه این روابط بر بافت کالبدی روستایی اثرات فراوانی داشته است و باعث تغییر ساختار و عملکرد مسکن روستایی شده است. این تغییرات در حاشیه شهرها مشهودتر بوده و این تغییرات در دامنه گسترده‌تری قابل مشاهده است. مسکن سنتی روستایی با توجه به عملکردهای متنوع روستایی فضاهای کارکردی مختلفی دارند که باعث تمایز آنها از مسکن شهری است و باعث سهولت فعالیت‌های روستایی می‌شوند. در حالی که مسکن جدید روستایی که برگرفته از الگوهای شهری ساخته شده‌اند تک کارکردی بوده و چالش‌هایی را در فعالیت‌های جدید روستایی ایجاد نموده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است و داده‌های تحقیق از طریق کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، شهرگرایی باعث تحول اجزاء ساختاری و کارکردی مسکن سنتی روستایی شده است و در مسکن روستایی نوین، عناصر جدیدی به تبعیت از مسکن شهری شکل گرفته است که بر کارکردهای مسکن اثرگذار است.^۱

کلیدواژه‌ها: مسکن سنتی؛ ساختار؛ کارکرد؛ الگو؛ شهرگرایی.

2. Assistant Professor of Geography Department, Payam-e-noor University
eMail: rt1389@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه پیام‌نور
پست الکترونیک: rt1389@yahoo.com

مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی در سال‌های اخیر تحولات فراوانی یافته‌اند. این تحولات در ارتباط با موقعیت جغرافیایی و نوع و دامنه پیوندهای روستایی - شهری بوده است. به صورتی که روستاهای واقع در حاشیه کلانشهرها بیشترین گذار را در زمینه تغییرات اجتماعی - اقتصادی دارا بوده است. به صورتی که بافت کالبدی نیز متأثر از این تغییرات، تحولات بسیاری یافته است. سازوکار اصلی این تحولات شهرگرایی روستاییان و تغییر در مصالح سنتی روستایی بوده است. در این راستا برخی از این تغییرات با توجه به نیازهای زندگی امروزی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بنابراین بررسی میزان انطباق و سازگاری الگوهای جدید با کارکردهای روستایی یکی از اهداف این پژوهش می‌باشد. زیرا ناهماهنگی مسکن با کارکردهای روستایی یکی از تنگناهایی است که در ارتباط با مسکن روستایی مطرح است. یکی از مسائل و مشکلات روستاها، نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مسکن روستایی است (رضوانی: ۱۳۸۷، ۱۵۱). در حالی که در مسکن سنتی که مبتنی بر معماری بومی ساخته شده‌اند بیشترین سازگاری را با کارکردهای روستایی نشان می‌دهند و در توسعه پایدار به لحاظ توجه به محیط زیست بسیار مطرح هستند. زیرا یکی از ارکان توسعه پایدار لحاظ چشم‌اندازهای طبیعی و بهره‌مندی از طبیعت است که مد نظر معماران بومی قرار گرفته است. سوالات پژوهش عبارتند از:

عوامل تأثیر گذار در تحولات مسکن روستایی کدام است؟
ابعاد و دامنه تحولات مسکن روستایی چگونه است؟

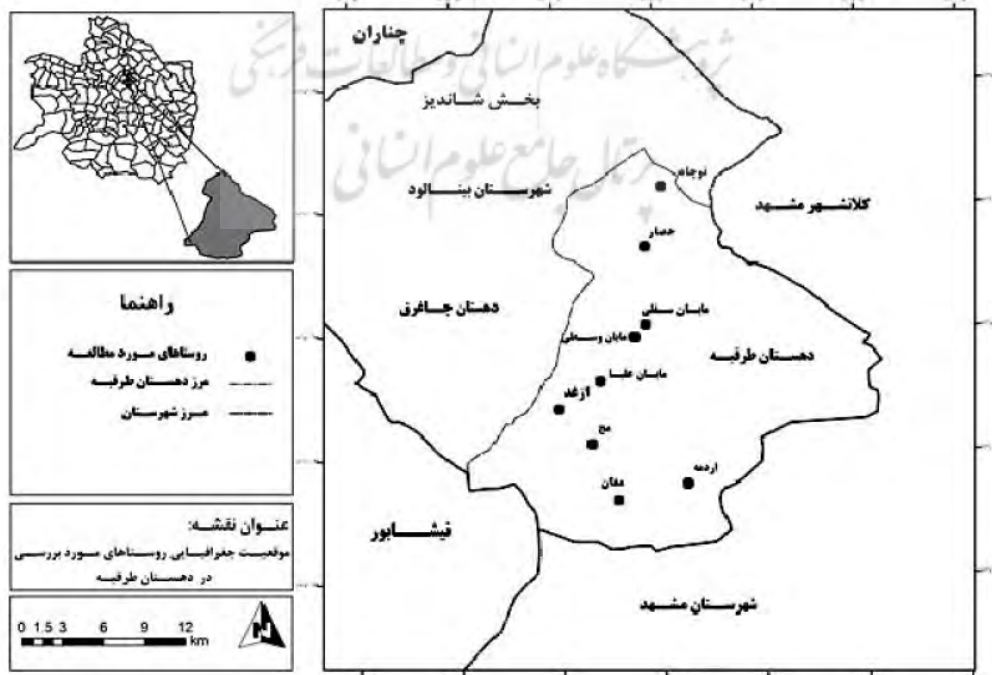
محدوده جغرافیایی پژوهش

محدوده جغرافیایی مورد بررسی در این پژوهش دهستان طرفه است که با توجه به موقعیت جغرافیایی و کلانشهر مشهد بستر تحولات گوناگونی در این راستا بوده است. دهستان طرفه جزء شهرستان بینالود است که در غرب کلانشهر مشهد در استان خراسان رضوی قرار گرفته است. این دهستان دارای ۲۰ روستا است که در این دهستان ۶ روستا به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که در نقشه شماره یک نشان داده شده‌اند. روستاهای نمونه براساس وجود الگوهای گذار مسکن روستایی انتخاب شده‌اند. به طوری که دو نوع مسکن سنتی و جدید در این روستاها قابل بررسی است.

روش تحقیق

در این بررسی روش‌های جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در این ارتباط ۱۰۰ خانوار روستایی به صورت تصادفی از روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده‌اند که متغیرهای تحقیق در این روستاها مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر تحلیل فراوانی و همبستگی است که در سنجش متغیرهای تحقیق نقش مؤثری داشته است.

نقشه شماره (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد بررسی



متغیرهای پژوهش

در این پژوهش برای سنجش ابعاد تغییر مسکن روستایی، متغیرهای مختلفی انتخاب شده است. متغیرهای پژوهش عبارتند از: نوع مصالح ساختمانی، تعداد طبقات، وجود ایوان، تعداد بازشوها. کارکردهای مسکن سنتی مانند: انبار، محل نگهداری دام، فضاهای خشک کردن محصولات و تنور که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که آیا این عناصر ساختاری و کارکردهای سنتی در مسکن جدید روستایی وجود دارند؟ و چه فضاهای جدیدی جایگزین این عناصر ساختاری شده است؟ (جدول شماره ۱).

مبانی نظری

معماری بومی روستایی انعکاس نیازها و خواسته‌های افراد است و به صورتی که باعث دخالت افراد در ساخت خانه می‌شود. در این سبک معماری شکل بنا با نیازهای فیزیکی و فرهنگی انطباق دارد. این نیازها تنها فیزیکی و مادی نیست، بلکه تجلی غیر مادی نیز دارد. معماری مسکونی بومی بیشترین تأثیر را از چهار عامل؛ شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین، شرایط اقلیمی و آب و هوایی، شرایط اقتصادی و نحوه امرار معاش ساکنان و خصوصیات

اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه می‌پذیرد. در جوامع روستایی همواره بین این عوامل و مسکن بومی تعادلی برقرار بوده است که کارکرد بنا را به حداکثر بهره‌وری می‌رساند. به گونه‌ای که با تغییر هر یک از این عوامل مسکن باید تغییراتی در جهت همسویی با نیازهای جدید داشته باشد (خاکپور و شیخ مهدی: ۱۳۹۰، ۲۳۳-۲۳۵). سیما و ساختار کالبدی روستاهای ایران با نفوذ و هجوم فن‌آوری، فرهنگ و سیمای شهری و همزمان با آن تنزل ارزش‌های فرهنگی و بومی نزد ساکنان روستا روز به روز و بیش از حد مخدوش و دگرگون شد (شمس‌الدینی و دیگران: ۱۳۹۰، ۶۰).

با تغییر در نوع مسکن روستایی و عدم سازگاری آن با شغل مالک ساختمان، روستایی دیگر قادر به انجام فعالیت دامداری و گاهی زراعت در این فضای نوساز نمی‌باشد و باید در مکانی دیگر و دور از محیط خود به اشتغال و تولید بپردازد.

کما اینکه تحقیقات نیز بیانگر این مطلب می‌باشد که مسکن جدید در روستاهای کشور اغلب با بی‌توجهی به نیازهای زیستی - معیشتی و ویژگی‌های محیط زیست طبیعی همراه می‌باشد (سرتیپی‌پور: ۱۳۸۸، ۱۶).

در معماری سنتی روستاییان با بهره‌برداری هوشمندانه از مصالح و منابع طبیعی در دسترس متناسب با شرایط شغلی و

جدول شماره (۱): متغیرهای پژوهش

نوع مسکن	شاخص	متغیر	شاخص	نوع مسکن	شاخص	متغیر	شاخص
سنتی	ساختاری	نوع مصالح ساختمانی	کارکردی	پدید	کارکردی	نوع مصالح ساختمانی	کارکردی
		تعداد طبقات				وجود انبار	
		تعداد اتاقها				محل نگهداری دام	
		تعداد بازشوها				فضای خشک کردن مواد غذایی	
تعداد اتاقها	تنور						
سنتی	ساختاری	نوع مصالح ساختمانی	کارکردی	پدید	کارکردی	نوع مصالح ساختمانی	کارکردی
		تعداد طبقات				وجود انبار	
		تعداد اتاقها				محل نگهداری دام	
		تعداد بازشوها				فضای خشک کردن مواد غذایی	
تعداد اتاقها	تنور						

منبع: بررسی‌های میدانی

ویژگی‌های مسکن سنتی

ساختار

ساختار براساس فرهنگ لانگمن؛ اجزایی در نظر گرفته شده است که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و یک سیستم را شکل می‌دهند (Pearson Education Limited: 2010, 1581). در این بررسی، کلیت مسکن روستایی به عنوان یک سیستم در نظر گرفته شده است که اجزاء و عناصر آن مانند: اتاقها، عرصه و عیان ساختار مسکن را تشکیل می‌دهند. ساختار مسکن روستایی در زمان تغییرات بشماره یافته است. مسکن سنتی روستایی عناصر ویژه‌ای داشته‌اند که با زندگی و کارکردهای روستای همخوانی داشته است. به طوری که الگوی خانه‌ها تجلی گاه شیوه‌های زیستی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و اجتماعی - اقتصادی در شکل بخشی به آنها است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۱۳۷۵، ۱۲۵). در این راستا ساختار در راستای ویژگی‌های اقلیمی و طبیعی است. به طور مثال در نواحی سرد در مسکن روستایی دیوارهای قطور برای جلوگیری از نفوذ سرما و گرما به داخل منزل طراحی شده است. در این ارتباط مسکن مناسب و پایدار نیز دارای وابستگی بین انرژی و محیط است که حداقل تأثیرات منفی را بر روی محیط و مسکن داشته باشد (قنبری و دیگران: ۱۳۹۰، ۱۰۸).

طرح مسکن

طرح مسکن روستایی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که عبارت است از:

- تبعیت از شیب توپوگرافی - وجود بهار خواب در مسکن - تعداد زیاد بازشوها. - وسعت اتاقها - پیوسته بودن اتاقها - دو طبقه بودن مسکن به ویژه در نواحی کوهستانی. - پیروی عناصر جانبی مسکن از نوع شغل خانوار. - چندکارکردی بودن مسکن روستایی.
- اختصاص همکف به طویله، انبار (سلطانی: ۱۳۸۷، ۴۸). - دو طبقه بودن مسکن به ویژه در نواحی کوهستانی - پیروی عناصر جانبی مسکن از نوع شغل خانوار. - چندکارکردی بودن مسکن روستایی - اختصاص همکف به طویله، انبار (سلطانی: ۱۳۸۷، ۴۸).
- در محدوده روستایی طبقه، طرح مسکن به صورت بومی است و عناصر مسکن سنتی در برگرفته اجزاء ساختاری و کارکردی مسکن روستایی میباشند.

در پلان شماره یک، نمونه‌ای از مسکن سنتی روستای مج مشاهده می‌گردد که این مسکن براساس معماری سنتی شکل گرفته است. طبقه اول مسکن براساس ویژگی‌های مسکن سنتی

معیشتی در راستای برآوردن نیازمندی‌های سکونتی و کارکردی خود اقدام به ساخت و بنای مسکن نموده‌اند (قره‌نژاد: ۱۳۸۱، ۳۱۸).

طی دهه‌های اخیر با ورود مدرنیزاسیون و همگام با اجرای طرح‌های نوسازی، تحول خواهی روستاییان و تلاش برای توسعه و بهزیست نمودن محیط زندگی، روستاها از فضای سنتی و کالبد قدیمی خود خارج و به سرعت پذیرای دگرگونی‌ها شدند. از این رو می‌بایست فضای روستاها به‌ویژه کالبد، بدنه و شکل مسکن و منازل روستاییان به منظور هماهنگ شدن با وضعیت اقتصادی - اجتماعی پیش آمده در تبعیت از گسترش استفاده از تکنولوژی‌های نوین به منظور جواب‌گویی به نیاز ساکنان این سکونتگاه‌ها و همچنین فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه تغییر یابند (طالب و همکاران: ۱۳۸۴، ۵۱-۵۰).

متأسفانه گاهی این تحولات و دگرگونی‌های کالبدی در روستاها همخوانی چندانی با فرهنگ و نوع اقتصاد حاکم بر این کانون‌های سکونتگاهی ندارد و این تحولات ضمن ایجاد ناسازگاری‌های اقتصادی - اجتماعی در روستاها موجب تغییر در کارکرد این فضاهای زیستی شده است.

زیرا زندگی، شغل، اقتصاد، فرهنگ، رفتار و نوع معیشت حاکم بر روستاها به ویژه در کشورهای جهان سوم که دارای ساختار سنتی و قدیمی هستند، هماهنگی و تجانس فراوانی با یکدیگر دارند. حال با تغییر و به هم ریختن نظم فضایی موجود در روستاها که حاصل شکل‌گیری در طی قرن‌ها می‌باشد، دیگر ارکان روستا از جمله: کارکردهای اقتصادی - معیشتی و فرهنگی آن نیز متحول و دچار ناهماهنگی می‌شوند (شمس‌الدینی: ۱۳۹۰، ۵۸).

به گونه‌ای که در نظام زندگی روستایی: اشتغال، شیوه معیشت و نوع سکونت تداخل گسترده‌ای با هم دارند. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری براساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار زمان‌های متداخلی دارند. به همین دلیل فضاهای سکونت و کار نیز تداخل دارند و محیط مسکن محل نگهداری محصولات و وسایل و ادوات تولید نیز می‌باشد و بخشی از کار در منزل انجام می‌شود (نیک خلق: ۱۳۸۲، ۸۶). در حال حاضر ناپایداری سبک زندگی روستایی باعث گذار مسکن روستایی شده است. (Taylor: 2008, 23) در این راستا یکی از چالش‌های سکونتگاه‌های روستایی دستیابی به مسکن مناسب است (Gallent & Robinson: 2011, 297).

در این ارتباط استطاعت خانوار یکی از شاخص‌های اصلی تعیین‌کننده تغییر مسکن روستایی به شمار می‌رود (Hoggart & Henderson, 2005: 182).

- کارکردهای اجتماعی - فرهنگی مانند ارتباط با دیگران و اجرای وظایف شرعی.
- کارکردهای ذخیره سازی مانند ذخیره آب و آذوقه، انبار علوفه و تولیدات زراعی.
- کارکردهای ارتباط فیزیکی مانند ارتباطات موجود میان فضاها و اجزاء خانه.
- مجموعه این کارکردها تعیین کننده نحوه فضا بندی و نهایتاً بافت کالبدی مسکن خواهد بود .

(بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۱۳۷۵، ۱۲۵). یکی از کارکردهای سنتی این محدوده کوهستانی وجود محل نگهداری دام در طبقه پایین است که در مسکن سنتی جزء کارکردهای اصلی می باشد. همچنین در راستای کارکردهای اقتصادی - تولیدی، در مسکن سنتی روستایی یکی از اتاق‌های مسکن به تولید قالی اختصاص داده شده بود (پلان شماره ۲).

عوامل مؤثر در گذار مسکن روستایی شهرگرایی

یکی از مهمترین سازوکارها در تغییر الگوی مسکن سنتی، گسترش شهرگرایی است. محدوده مورد بررسی با توجه به اینکه در محدوده کلانشهر مشهد واقع شده است، تأثیرپذیری فراوانی از این شهر داشته است. از دیدگاه جانستون شهرگرایی به معنای یک فرآیند رفتاری است. به صورتیکه شهرها مراکز انتشار تغییرات و تحولات اجتماعی معرفی شده‌اند. (Johnston, 1993: 516) از دیدگاه پاسیون، شهرگرایی روستایی از جنبه اجتماعی - سکونتی مطرح است که شیوه زندگی شهری در نواحی روستایی گسترش می‌یابد. (Pacione, 1984: 132)

کوهستانی به محل نگهداری دام، انبار اختصاص یافته است. همچنین طبقه دوم مسکن دارای ایوان و اتاق‌های متعدد است (پلان شماره ۱).

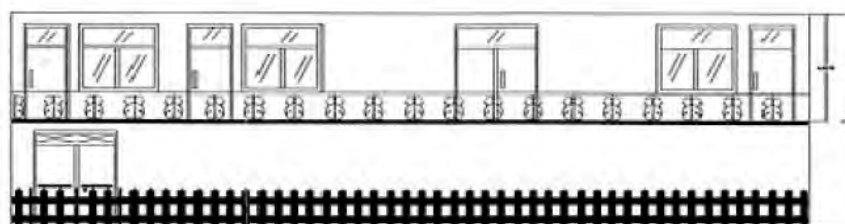
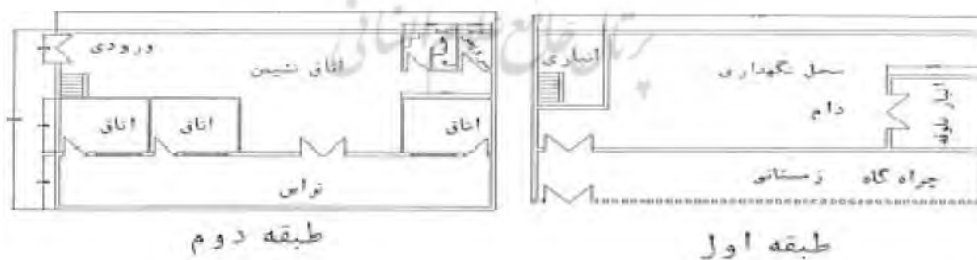
در پلان شماره یک، نمونه ای از مسکن سنتی روستای مج مشاهده می‌گردد که این مسکن براساس معماری سنتی شکل گرفته است. طبقه اول مسکن براساس ویژگی‌های مسکن سنتی کوهستانی به محل نگهداری دام، انبار اختصاص یافته است. همچنین طبقه دوم مسکن دارای ایوان و اتاق‌های متعدد است (پلان شماره ۱).

الگوی استقرار

الگوی استقرار در این محدوده مبتنی بر همسازی با شیب توپوگرافیکی است. به صورتی که الگوی مسکن متناسب با شیب و ناهمواری زمین طراحی شده است. به دلیل حداکثر استفاده از شیب‌های دامنه و رانده شدن مسکن به اراضی ناهموار صورت گرفته است.

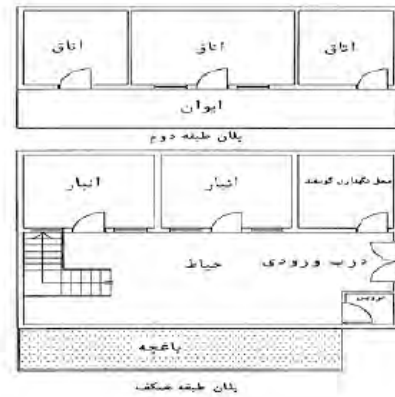
کارکردهای مسکن

- مهم‌ترین کارکردهای خانه‌های سنتی روستایی به هفت دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از:
- کارکردهای بنیادی - زیستی
 - کارکردهای خدماتی: پخت و پز، شستشوی ظروف.
 - کارکردهای بهداشتی مانند استحمام و شستشو.
 - کارکردهای اقتصادی - تولیدی مانند تولید صنایع دستی، پرورش طیور، تولید لبنیات و مانند آن.



پلان شماره (۱): پلان و شکل مسکن سنتی در روستای مج

جایگزینی این مصالح با مصالح بومی و سنتی کرده‌اند. یکی از متغیرهای تأثیرات شهرگرایی استفاده از طرح‌های مسکن شهری در مسکن روستایی است. در این ارتباط؛ ۵۲ درصد از روستاییان اعتقاد داشتند که مسکن کنونی روستایی با طرح شهری ساخته می‌شوند. همچنین ۳۸ درصد روستاییان نظر به ایجاد فضاهای جدید در مسکن روستایی داشته‌اند (جدول شماره ۲).



پلان شماره (۲): مسکن سنتی روستایی در روستای حصار
در نتیجه تداوم نفوذ اقتصاد شهری، مظاهر اجتماعی زندگی شهری نیز به مناطق روستایی راه می‌یابد و نوعی دوگانگی با ابعاد سنتی اجتماعی - اقتصادی در مناطق روستایی با طرح شهری ساخته می‌شوند. همچنین ۳۸ درصد روستاییان نظر به ایجاد فضاهای جدید در مسکن روستایی داشته‌اند. شهرگرایی تأثیرات کالبدی بیشماری مانند بکارگیری نماهای شهری، استفاده از مصالح شهری، استفاده از طرح‌های شهری، رواج فضاهای جدید شهری و تغییر کارکردهای مسکن دارند. در این روستاها با توجه به فاصله کم تا کلانشهر تحولاتی متفاوتی در نتیجه شهرگرایی قابل مشاهده است. براساس بررسی‌های میدانی از دیدگاه روستاییان، به کارگیری نماهای شهری ۶۴ درصد از روستاییان بر گسترش این عناصر شهری تأکید داشته‌اند. همچنین در حاضر استفاده از مصالح شهری در این ناحیه به علت منسوخ شدن مصالح بومی و سنتی افزایش یافته است. به صورتی که ۸۲ درصد از روستاییان تأکید به

مسافت

یکی از عوامل مؤثر در تغییر مسکن روستایی مسافت است. مسافت روستاهایی که در فاصله کمتری از شهر قرار گرفته‌اند بیشتر دچار تغییرات شده‌اند که روند تحول مسکن روستایی و ایجاد مسکن جدید بر مبنای طرح شهری بیشتر قابل مشاهده است. به طوریکه میزان همبستگی تعداد مسکن جدید در روستاها با فاصله از شهر برابر با ۰/۴ در سطح معنی داری ۰/۰۰۳ است (جدول شماره ۳).

افزایش ارتباطات

ارتباط روستا با شهر نقش زیادی در تغییرات در ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی دارد. افزایش وسایل ارتباطی و حمل و نقل بین روستاها و شهر از عوامل انتشار دیدگاه‌های شهری در نواحی روستایی است. در ناحیه مورد بررسی، وسایل نقلیه فراوانی اعم از اتوبوس‌های شهری به صورت منظم مردم را بین روستا و شهر جابجا می‌کنند که در تغییر سبک زندگی و شیوه معماری سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذار است.

جدول شماره (۲): تأثیر شهرگرایی بر مسکن روستایی در روستاهای مورد مطالعه

گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم
به کارگیری نماهای شهری	۴۳٪	۲۱	۲۶	۱۰
استفاده از مصالح شهری	۴۰٪	۳۲	۱۵	۱۳
استفاده از طرح‌های مسکن شهری	۳۲	۲۰	۳۰	۱۸
رواج فضاهای جدید شهری	۲۰	۱۸	۴۰	۲۲
تغییر کارکردهای مسکن	۳۰	۴۶	۹	۱۵

(ارقام به درصد)

جدول شماره (۳): میزان همبستگی مسکن جدید با فاصله از شهر مشهد

شاخص همبستگی	سطح معنی داری	همبستگی
تعداد مسکن جدید با فاصله	۰/۰۰۳	۰/۴

منبع: یافته‌های میدانی

جدول شماره (۴): ارزیابی معیارها و گویه‌های تحول مسکن روستایی در دهستان طرچه

نوع تحول	معیار	گویه سنتی	گویه مسکن جدید	توافق گویه ها
ساختاری	مصالح ساختمانی	مصالح ساختمانی بومی	مصالح ساختمانی جدید	۷۲ درصد
	الگو	الگوی روستایی	الگوی شهری	۶۱ درصد
	شکل	شکل محلی	شکل شهری	۸۴ درصد
	ایوان	ایوان های بزرگ	از بین رفتن ایوان	۳۷ درصد
	طبقات	تک طبقه ای بودن در مناطق دشتی	افزایش طبقات	۴۷ درصد
	بازشوها	تعدد بازشوها	کاهش بازشوها	۴۳ درصد
	اتاقها	اتاقهای کم	افزایش تعداد اتاقها	۷۳ درصد
	هرصه	مساحت زیاد	کاهش مساحت	۵۴ درصد
کارکردی	کارکرد اتاقها	اتاقهای چندکارکردی	اتاقهای کارکردی مخصوص	۳۸ درصد
		محل برگزاری جلسات	-	۴۹ درصد
		فضاهای سنتی کارکردی	از بین رفتن فضاهای قدیمی	۳۴ درصد
	کارکرد فضاهای جانبی	تنور و اصطبل	عدم وجود فضاهای کارکردی بومی	۳۸ درصد
		فضای خشک کردن محصولات کشاورزی	-	۵۸ درصد
		انبارهای متعدد	-	۴۷ درصد
		پارکینگ وسایل و ماشین آلات	-	۶۶ درصد

منبع: بررسی‌های میدانی، ۱۳۹۱

ویژگی‌های گذار مسکن روستایی

روستاهای مورد مطالعه، ۸۲ درصد از روستاییان اعتقاد به تغییر مصالح ساختمانی در سال‌های اخیر داشته‌اند که علت آن را گسترش شهر مشهد به سمت این دهستان و گسترش الگوهای مسکن شهری از دلایل این تغییر است (جدول شماره ۵).

عوامل مختلفی در گذار تحولی مسکن روستایی تأثیرگذار است که از جمله آنها می‌توان به تغییرات ساختاری و کارکردی اشاره نمود. تغییرات ساختاری شامل تغییر مصالح ساختمانی از نوع سنتی به جدید، تغییر الگو و شکل مسکن روستایی می‌باشد (جدول شماره ۴).

تغییر الگو

دگرگونی الگوی سنتی مسکن در پی تأثیرپذیری دامنه دار از الگوهای شهری پدید آمده است (سعیدی: ۱۳۸۷، ۱۵). بسیاری از مسکن سنتی روستایی در دهستان طرهبه با توجه به پدیده شهرگرایی، با الگوی مسکن شهری ساخته شده‌اند، به طوری که در این مسکن الگوی معماری سنتی دیگر وجود ندارد و به صورت کامل با الگوهای مسکن شهری جایگزین شده است. یکی از مشخصه‌های بارز تغییر الگوی مسکن سنتی، تغییر نمای مسکن است. در این راستا بسیاری از مسکن روستایی به لحاظ نما با مسکن شهری برابری می‌نمایند و نماهای شهری در این مسکن به وضوح مشهود است (تصاویر شماره ۱).

تغییر مصالح ساختمانی

در سالیان قبل در اثر نبودن وسایل لازم و راه‌های ارتباطی، روستاییان به ناچار از همان مصالحی که در محل موجود بود استفاده می‌کردند (فاتح و داریوش: ۱۳۸۸، ۲۰). یکی از بارزترین جنبه‌های تغییر مسکن روستایی، تغییر مصالح ساختمانی است. امروزه توسعه ارتباطات و وسایل حمل و نقل، تغییرات دامنه داری در کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی پدید آورده و موجب شده است اشکال و مواد ساختمانی جدید و متنوع غیربومی جایگزین اشکال و مواد سنتی گردیده، مدل‌برداری از بناها و معماری شهری در بسیاری از روستاهای جهان رواج یابد (سعیدی: ۱۳۷۷، ۷۸). در گذشته در دهستان طرهبه مصالح طبیعی بر اساس سبک ساخت و ساز سنتی از محیط تهیه می‌شد که در هماهنگی با محیط بود و استفاده بهینه و پایدار از محیط طبیعی را به همراه داشت. این مصالح برای همه اقشار روستایی قابل تهیه بود و امکان فراهم نمودن آن برای تمام اقشار روستایی مقدور بود. در حالی که مصالح جدید به علت گرانی، کلیه روستاییان امکان خرید آنها را ندارند. همچنین مصالح سنتی به دلیل امکان تبادل با محیط، بهترین قابلیت را در مسکن پدید می‌آورند. براساس مطالعات میدانی در

تغییر کارکردها

کارکرد مسکن روستایی در دهستان طرهبه براساس نیازهای روستایی شکل گرفته بود در این راستا با توجه به کارکردهای چندگانه روستاها در مسکن فضاهای کارکردی مختلفی در نظر گرفته شده بود که در راستای کمک به فعالیت‌های روستایی شکل گرفته بود. بصورتی که این فضاها کارکردهای روستایی را تسهیل می‌نمودند و بیانگر فعالیت‌های چندگانه روستایی در فضای روستاها بودند. بطوری که فضاهایی نظیر پارکینگ ماشین آلات کشاورزی.

جدول شماره (۵): تحلیل تحولات مصالح مسکن روستایی

معیارها	سطح گویه (درصد)		
	کم	متوسط	زیاد
اجتماعی	۶	۱۲	۸۲
	۱۴	۲۲	۶۴
اقتصادی	۵۰	۱۹	۳۱
	۳۸	۴۳	۱۹
کالبدی	۱۵	۶۲	۲۳
	۲۶	۴۱	۳۳

در این مسکن انواع فضاهای جدید قابل مشاهده است که از نمونه آنها می‌توان به پاسیو، افزایش اتاق‌ها، حمام، آشپزخانه باز، پذیرایی و اتاق مطالعه اشاره نمود. با توجه به بررسی‌های میدانی غالب فضاهای جدید در راستای کارکردهای روستایی نبودند. همچنین در برخی از مسکن به صورت ترکیبی فضاهای سنتی و جدید قابل مشاهده است که بیانگر سبک جدیدی از زندگی روستایی است (پلان‌های ۳ و ۴).



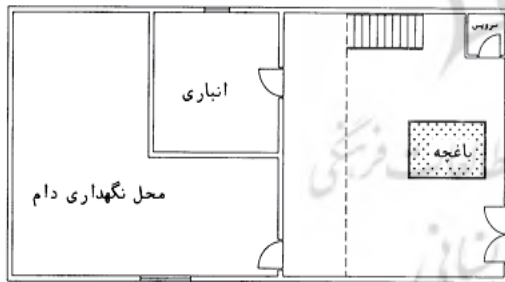
تصویر شماره (۱): مسکن جدید روستایی در روستاهای مغان و حصار

فضاهای جدید

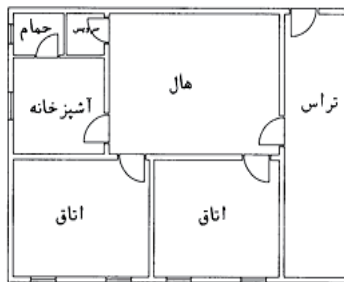
در مسکن سنتی فضاهای سنتی از قبیل: تنور، اصطبل، انبارهای مختلف محصولات، فضاهای قالی‌بافی وجود دارد که بیانگر تنوع فعالیت سکونتگاه‌های روستایی است. ولی در مسکن جدید روستایی شکل‌گیری فضاهای جدید به تبع مسکن شهری، شکل نوینی به مسکن روستایی بخشیده است که آنها را از مسکن سنتی با کارکردهای چندگانه متمایز می‌نماید. فضای نگهداری محصولات کشاورزی، خشک کردن محصولات در مسکن شکل گرفته بود که متناسب با کارکردهای روستایی و نوع فعالیت غالب این سکونتگاه‌ها بود. در این محدوده فعالیت غالب باغداری است که در شکل‌گیری فضاهای مسکن نقش و تأثیر زیادی داشته است. براساس بررسی‌های میدانی ۹۸ درصد از روستاییان اعتقاد داشته‌اند که مسکن سنتی در راستای کارکردهای روستا شکل گرفته بود و تحول مسکن رابطه معنی‌داری را با فاصله از شهر نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

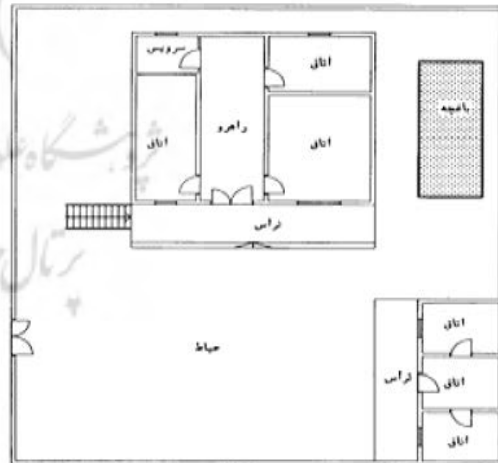
تغییر سبک زندگی در نواحی روستایی در نتیجه عوامل مختلف از جمله شهرگرایی صورت گرفته است. سازوکار سایر تغییرات زندگی بوده است. در این راستا تغییرات مختلفی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است که بیانگر تأثیرات شهرها در حوزه روستایی است. به طوری که بافت کالبدی روستاها نیز از این روند مستثنی نبوده و تغییرات فراوانی را در راستای انطباق با شهرها تجربه نموده‌اند. این تغییرات بر کارکردهای روستایی نیز تأثیرگذار بوده است. در مسکن جدید روستایی فضاهای جدیدی شکل گرفته‌اند که بر کارکردهای روستایی نیز اثرگذار است. این مسکن دارای فضاهایی هستند که در مسکن شهری وجود دارد و کارکردهای جدیدی را در مسکن روستایی به وجود می‌آورد.



پلان طبقه همکف



پلان طبقه دوم



پلان طبقه همکف



پلان طبقه دوم

پلان شماره (۴): تلفیق کارکردهای سنتی و جدید در

مسکن جدید در روستای مایان سفلی

پلان شماره (۳): مسکن جدید روستایی در روستای حصار

منابع

- Pacions, Michael (1984), Rural Geography ,Harper & Rew, London ,UK.
- Pearson Education Limited(2010) Longman Advanced American Dictionary, USA.
- Taylor, M.(2008) Living ,working countryside: The Taylor Review of Rural Economy & Affordable Housing, Department for Communities and Local Government, London ,UK
- Gallent, Nick & Robinson, Steve(2011) Local perspectives on rural housing affordability and implications for the localism agenda in England, Journal of Rural Studies ,No: 27.
- Hoggart ,K., Henderson ,S.(2005) Excluding exceptions: housing non –affordability and the oppression of environmental sustainability , Journal of Rural Studies ,No: 21.
- Johnston ,R, Gregory ,D., Smith ,D.(1993) The dictionary of Human Geography, Blackwell, UK
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۵) شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، مدیر طرح: دکتر مهدی طالب.
- خاکپور، مژگان، شیخ مهدی، علی (۱۳۹۰) بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷.
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، تهران .
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۶) معماری مسکن در روستاهای ایران، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۹، تهران.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷) مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- سعیدی، عباس، سلطانی، ریحانه (۱۳۸۳) نقش پیوندهای کلانشهری و تحول فضای کالبدی - فضایی روستاهای پیرامونی، مجله جغرافیا، شماره سوم .
- سلطانی، ریحانه و صلاحی، گیتی (۱۳۷۸) مسکن روستایی، کوهستانی، انتشارات نیک خرد، تهران.
- شمس‌الدینی، علی، رستمی، روح‌الله (۱۳۹۰) تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵.
- طالب، مهدی، عنبری، موسی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- فاتح، محمد، داریوش، بابک (۱۳۸۸) معماری روستایی، انتشارات علم و دانش، تهران.
- قره‌نژاد، حسن (۱۳۸۱) طبیعت و معماری، انتشارات گلهای محمدی، چاپ اول، اصفهان.
- قنبری، نوذر، رمضان‌زاده، مهدی (۱۳۹۰) نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۳.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات چاپخش، چاپ اول، تهران.